

# وضع دادرسی و قضاوت

## در کشورهای باستانی خاور زمین

تا کنون کهنترین لوحه گالی که نمایاننده قوانین باشد در جلگه بین النهرین و در سرزمین سومر قدیم (جنوب بین النهرین) یافت گردیده است. این لوحه را بنام لوحه قانون «اور-نمو» نامگذاری کرده اند و در موزه استانبول ترکیه نگهداری میشود. در هر دو طرف لوحه مواد قانونی نوشته شده و کاتب هر طرف را بچهار ستون تقسیم کرده، مواد را درون آن نوشته است. باستان شناس شهیر معاصر «سموئل کرامر» خواننده این لوحه در کتاب الواح سومر، ترجمه آنرا برای این مفاد ذکر کرده است :

بقسم

عصر

(استاد دانشگاه پهلوی)

- 1- Our-Nammov
- 2- Samuel Kramer

«پس از آفرینش جهان و تعیین سرنوشت «سومر» و شهر «اور» «آن» و «انلیل» برجسته‌ترین خدایان سومری «نانا» خدای ماه را بفرمانروائی «اور» برگزیدند. «نانا» نیز «اور-نمو» را بعنوان نماینده زمینی خود انتخاب کرد تا بر سومر و اور حکومت کند. نخستین اقدام پادشاه جدید تضمین امنیت اور و سومر بود. از این رو بر شهر مجاور «لگاش» که در حال گسترش بود، حمله برد و «نامهانی» پادشاه آنجا را شکست داد و بکشت. آنگاه با کمک ویاری «نانا» مرزهای پیشین کشور را بحال سابق باز گردانید. سپس وقت آن رسید که بامور داخلی کشور بپردازد و اصلاحات اجتماعی و اخلاقی را دنبال کند، لذا فرمان داد که رشوه خواران و کلاهبرداران را از کارها بر کنار کنند. یا چنانکه در متن سند آمده دزدان گاو و گوسفند و استر مردم را بر کنار سازند. بعد از آن وضع ثابتی برای اوزان و اندازه‌ها بوجود آورد و کاری کرد که «یتیمان طعمه ثروتمندان نگردند، و بیوه زنان قربانی زورمندان نشوند و مالک يك شکل<sup>۳</sup> در چنگال مالک تک منه<sup>۴</sup> (شکل ۶۰) نیفتد.»

قسمت مهم لوحه درهم شکسته و مواد دیگری در پشت لوحه نوشته شده که فقط پنج ماده از آن بخوبی خوانده شده است. یکی از مواد این قانون، شیوه آزمایش مدعی را در راستگویی توصیف کرده، بموجب این آزمایش برای کشف صحت و سقم ادعای مدعی، او را برودخانه می‌افکندند، اگر از غرق شدن در آب بپرهید، صدق گفته‌های او ثابت میشد، ماده دیگری آنستکه اگر مردی برابر مردی با سلاح، استخوانهای شکست، يك منا (من) نقره باید بپردازد.

همین خاورشناس و استاد خط سومری، در پایان این بحث مینویسد که: «در جامعه باستانی سومر، عدالت و قانون چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی

3- Shekel

4- Mana

جزو مفاهیم اساسی بوده است و بدین جهت هم در تمام شئون زندگی اقتصادی و اجتماعی سومر رخنه کرده بود. در قرن گذشته باستانشناسان صدها لوحه یافتند که بر آنها اقسام اسناد حقوقی، از قبیل قراردادها، وصیت نامه، سفته، رسید و احکام دادگاهها، ثبت بود. در آن روزگاران، دانشجویان ارشد سومری بیشتر وقت خود را وقف مطالعات حقوقی میکردند و همواره عبارات و اصطلاحات تخصصی و حقوقی و مجموعه‌های قوانین و احکام دادگاهها را که بصورت رویه قضائی درآمده بود، رونویس می کردند.

«اورنمو»<sup>۵</sup> (۲۳۱۱ تا ۲۳۲۸ ق.م.) که در این لوحه ذکر شده و پسرش شولژی<sup>۶</sup> (۲۲۶۳ تا ۲۳۱۰ ق.م.) خود را پسر «آنو» میخواندند و از قانونگذاران بزرگ سومر بشمار میروند. شولژی دستگامهای قضائی کشورش را تحت نظم واحدی در آورد و قانون یکسانی برای همه افراد کشور تعیین نمود، ولی پیش از او در هر ناحیه، قانون جداگانه‌ای مجری میگشت. از مجموعه قوانین «اور» فقط قسمتهائی باقی مانده و قوانین حمورابی از روی همین قوانین جمع آوری و تدوین گردیده است.

قوانینی که در زمان این دو پادشاه وضع و تدوین شده، ابتدائی تر و ساده تر و با ملامت بیشتری منظور شده، و در نتیجه شدت عملش در کیفرها کمتر بود و مثلاً در قوانین بابلی اگر زنی زنا می‌داد مجازاتش کشتن بود، ولی در قوانین سومری شوهرش حق داشت که زن دیگری بگیرد و بر زن زانی خود او را برتری دهد. در مورد پنهان کردن غلام فراری در قوانین سومری استرداد غلام با پرداخت بهای او کافی بوده در صورتیکه در قانون حمورابی پنهان کننده غلام، بمرگ محکوم میگردد. و یا در سومر اگر غلامی، بندگی خود را انکار میکرد پس از اثبات دروغ او، او را میفروختند، ولی در بابل یکی از اعضاء بدن چنین غلامی را قطع میکردند.<sup>۷</sup>

۵- اور-نمو اورنگور ourengur و شولژی را دونژی و دونگی Dungi هم خوانده‌اند.  
۶- تاریخ ملل باستان کشورهای آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش صفحه ۹۹-۴ جلد اول مشرق زمین یا گهواره تمدن تألیف ویل دورانت صفحه ۱۹۱.

مجالس محاکمه و داوری در پرستشگاهها تشکیل می‌شد و داوران معمولاً روحانیان بودند ولی برای دادگاههای عالی‌تر، قضایان متخصص و ورزیده برگزیده میشد. اختلافات در بدو امر بشوراهای داوری مراجعه میشد و آن‌شورا بطرفین دعوی توصیه میکرد که اختلاف بین خود را دوستانه حل کنند. چنانچه در این مرحله تصفیه نمیشد، دعوی دادگاهها مطرح و مورد بررسی قرار می‌گرفت و بحکم قانون توسل می‌جستند.<sup>۸</sup>

یکی از لوحه‌های گلی پیدا شده در سال ۱۹۵۰ بتوسط هیئت مشترک باستان‌شناسان مؤسسه شرقی شیکاگو و موزه دانشگاه پنسیلوانیا در سرزمینهای سومر، که آنرا نخستین رویه قضائی بشر دانسته‌اند، لوحه‌ای است مربوط به ۱۸۵۰ سال پیش از میلاد مسیح که جریان قتل و محاکمه قاتلین و رأی اعضاء دادگاه در آن منعکس است. از لحاظ اهمیت و جالب بودن مطالب این نوشته بنقل خلاصه آن می‌پردازد:

سه نفر که یکی شغلش باغبانی و دیگری آرایشگر بوده شخصی را بنام «لوانیانا» از کارکنان یکی از پرستشگاهها بقتل میرسانند. قاتلین جریان قتل را به اطلاع «نین دادا» همسر مقتول میرسانند و همسر مقتول این جنایت را مکتوم می‌دارد. خبر این جنایت در پایتخت سومر «ایسین» بعرض پادشاه رسانده می‌شود. او موضوع را برای رسیدگی و تعقیب گناهکاران بدادگاه محل احاله میدهد و نه نفر مأهور تعقیب متهمین میگردند و عقیده‌شان این بوده که نه فقط مرتکبین اصلی جرم، بلکه همسر مقتول نیز بعنوان شریک جرم بایستی تعقیب شود. زیرا او با سکوت خود و خبر ندادن بمحاکمه و مراجع صالحه، در جرم شرکت جسته است.

دفاع از همسر مقتول در دادگاه بعهدده دو نفر و کیل گذارده میشود و کلای مدافع اعلام داشتند که زن نامبرده بهیچوجه در قتل شوهرش دخالت نداشته و نباید مجازات و تحت تعقیب قرار گیرد. اعضاء مجمع، نظرو کلای مدافع را

۸- جلد اول مشرق‌زمین یا گهواره تمدن تألیف ویل دورانت صفحه ۱۹۱.

پذیرفتند، زیرا مقتول نفقه همسر خود را نهی پرداخت و سکوت زن ناشی از بی‌مهری مرد بوده است.

محکمه پس از شورچنین رأی میدهد: کیفر جنایت متوجه مباشران جرم و مجازات آنها اعدام است، اما زوجه او از اتهامات وارده مبرا می‌باشد. ساموئل گرامر ترجمه کننده این لوحه در پایان نقل ترجمه مینویسد که: پس از فراغت از ترجمه سند بالا بر آن شدیم که حکم دادگاه نیپور را با احکامی که امروز در موارد مشابه با آن صادر میشود مقایسه کنیم. بنابراین ترجمه را نزد شادروان «اون ج. رابرتس»<sup>۱</sup>

رئیس وقت دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا و عضو دیوان عالی کشور ایالات متحده در سالهای ۱۹۴۵-۱۹۳۰ فرستادیم و نظرایشان را جویا شدیم، پاسخ آقای روبرتس بسیار جالب بود، چون معلوم شد قضاات معاصر و قضاات سومر در این قضیه نظر واحدی دارند. عین پاسخ ایشان را در اینجا می‌آوریم: «بموجب قوانین ماهمسر مقتول شریک جرم شناخته اند و صرف اطلاع از وقوع جرم کسی را مجرم نمی‌سازد. شریک جرم کسی است که بمجرم پناه دهد و یا

در قتل معاونت کند یا وسائل آسایش و نگهداری مجرم را فراهم سازد.»

از آنچه درباره دادرسی و قوانین سومریها نوشته شده، چنین برمیآید که همه مردم در برابر قوانین یکسان و آزادی فردی و خانوادگی ملحوظ بوده است. زنان شخصیت‌های مستقل در برابر شوهران و مردان داشته. حکم بین زن و شوهر چنانچه اختلافاتشان بین خودشان حل و فصل نمیشد، محاکم صالحه بوده و چنانچه اختلاف منجر بطلاق می‌شد، شوهر موظف بود مبلغی وجه بزن بپردازد، ولی در ازاء زن کاملاً زیر اطاعت مرد بود و چنانچه به اعمال زشت یا متار که باتقصیر محکوم میشد، او را بدریامی انداختند. مادر حق داشته نسبت به ازدواج پسر خود مخالفت کند. پدر و مادر حق نداشتند فرزندان خود را از

ارث محروم سازند، مگر در مواردی که قانون اجازه میداده است. فرزند خوانده‌ها نیز دارای حقوق قانونی بوده‌اند. بردگان و غلامان مانند سایرین از مزایای قوانین برخوردار بوده‌اند.

## جمهوری

### قانون جمهوری

در سامبر سال ۱۹۰۱ و ژانویه ۱۹۰۲ در خلال کاوشهای هیئت علمی فرانسوی تحت ریاست ژاک دمرگان<sup>۱۰</sup> در ارگ شوش تپه اکروپل سه قطعه سنگ در فواصل نزدیک بدست آمد که هیئت علمی فرانسوی آنرا «ستل جمهوری<sup>۱۱</sup>» نام نهادند. این ستون چهار گوش از سنگ دیوریت و ۲/۴۵ سانتیمتر بلندی دارد و طول اضلاع آن در بالا ۶۵ × ۶۵ سانتیمتر میباشد. بالای ستون بار تفاع ۶۵ سانتیمتر و عرض ۶۰ سانتیمتر تصویر شاماش<sup>۱۲</sup> (رب النوع عدالت) بر روی تختی نشسته، نقش گردیده و قوانین را به جمهوری که در برابر او ایستاده دیکته مینماید. در پائین نقش ۲۸۲ ماده بخط ریز بابلی نوشته شده است.

در ادوار باستانی قوانین را حکم خدائی میدانستند و آن قوانینی مطاع و متبع مردم بود، که از طرف خدایان صادر میشده است. در مصر باستان قوانین را به «نحوت» یکی از رب النوع هانسبت میدادند و در یونان باستان دیونیسوس<sup>۱۳</sup> را «اولین قانونگذار» مینامیدند و اهالی جزیره کرت معتقد بودند دیکتاتور<sup>۱۴</sup> یکی از ارباب و انواع برهینوس پادشاه آنجا نازل شد و قوانین را باو تلقین کرده است. در آئین مزدیسنا نیز بر آنند که کتاب قانون که همان دستورات

10-- Jaeque de Morgan

11-- Stéle Hamourabi

12-- Shammash

13-- Dyonyosos

14-- Dicta

دینی باشد، هنگامی که حضرت زرتشت برفراز کوه بلندی نیایش میکرد، باو عطا گردیده است. بنابر این برای اطاعت و انقیاد مردم بابل از قانون جمع آوری شده توسط حمورابی بدان جنبه دینی داده و آن قانون را اعطا شده از طرف «شمش» یکی از خدایان معروف بابلی نمودار ساخته است. بابل بواسطه موقعیت و جنبه سوداگری و بازرگانیش برای فراهم ساختن قوانین در شمار پیش گامان کشورهای باستانی خاورزمین میباشد و قانون نامه حمورابی، نمودار برتری مبانی حقوقی و قضاوت در آن کشور است.

حمورابی یکی از پادشاهان بنام عهد باستانی است که حدود اوائل هزاره دوم پیش از میلاد در بابل فرمان میراند، و او دولت بزرگ بابل را در بین النهرین تشکیل میدهد و مدت ۴۳ سال سلطنت کرد و منشاء و موجودیك سلسله اقدامات اساسی و اجتماعی برای بابل بوده است. راجع به زمان او بین مورخان و محققان بیک تاریخ معین و مشخصی توافق نشده و بین ۲۲۵۰ سال پیش از میلاد تا ۱۶۸۶ ق.م. بطور مختلف مدت سلطنت او را ذکر کرده اند. مایسنر<sup>۱۵</sup> از ۱۹۵۵ تا ۱۹۱۳ ق.م. و در کتاب «نوشته های شرق باستانی»<sup>۱۶</sup> چاپ پریچارد<sup>۱۷</sup> از ۱۷۲۸ تا ۱۶۸۶ ق.م. ذکر کرده است، که در واقع موخرترین تاریخ میباشد.

این لوحه نخست در شهر سیمپار<sup>۱۸</sup> بابل برپا بوده و بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م. تقریباً حدود ۱۱۹۰ ق.م. توسط فاتح عیلامی شوتروک ناخونته<sup>۱۹</sup> ضمن غنائم جنگی بشوش آورده شده و چون قسمتهائی از این لوحه صاف شده، تصور می رود که عمدتاً آنرا صاف کرده و میخواستند راجع به پادشاه فاتح، کتیبه ای بدان بیافزایند. ولی چون لوحه هائی دیگر از این قوانین در کتابخانه آشوربانیپال و در شوش روی الواح بدست آمد تقریباً تمام ۲۸۲ ماده خوانده

15— Meissner

16— Ancient Near Eastern Texts

17— Prichard

18— Sippar

19— Shutrak Nakhunté

و معلوم گردید. این سند مهم باستانی هنگام سقوط شوش و شکست عیلام از آشور بانیبال، چون سنگین و حمل آن مشکل بوده آنرا شکسته و در همانجا انداخته بودند.

نخستین دانشمندی که موفق به خواندن آن گردید شیل فرانسوی<sup>۲۰</sup> بود که در جلد چهارم «خاطرات هیئت علمی فرانسوی در ایران»<sup>۲۱</sup> (چاپ پاریس ۱۹۰۲) انتشار یافت و بعد آن توسط میک<sup>۲۲</sup> به انگلیسی ترجمه و در کتاب «نوشته‌های باستانی خاور نزدیک» چاپ پریچارد چاپ گردید.

حمورابی در پیش گفتار این قانون نامه متذکر میشود که: «... خداوند آسمان مرا حمورابی شاهزاده عالیقدر و پرستنده خدایان، مأمور کرد که عدالت را در کشور مستقر سازم، مردمان مودبی قسی القلب را نابود کنم. مانع گردم که اشخاص قوی مزاحم ناتوانان گردند کشور را منور و آسایش مردم را تأمین کنم. این من هستم حمورابی که ثروت و فراوانی را ایجاد کرده‌ام که شهر بوریسیا را تزئین کرده‌ام، که دانه را برای اوراش نیرومند فراهم آورده‌ام، که دستور دادم حق بیوه زنان و یتیمان داده شود، که بینوا را کمک کرده‌ام، که مالکیت را در بابل مستحکم کرده‌ام. من خدمتگزار ملتی هستم که رفتارش به انونیت Anunit پسندیده بوده است...»

قوانین نامبرده از لحاظ رعایت حق و عدالت و جنبه اخلاقی و عرفی و حقوق ارباب و رعیت و مالکیت و تجارت و قواعد ازدواج و میراث و خدمت نظام، دهداری و حقوق پزشکان و معماران و مجازات قضات ناپاک و افسران خطاکار، و امور مربوط به زراعت و دامداری، سزاوار دقت و اهمیت فراوان میباشد و حمورابی متذکر شد که «این قانون‌ها را باینجهت تدوین کرده که عدالت در

20- Sheil

21- Mémoire de la délégation en Iran

22- T. J. Meek



زمین رعایت شود و شروفساد از میان برود و توانا نتواند به ناتوان ستم کند و این قانون همچنان خورشید تابان بالای سر مردم برآید و زمین را روشن سازد» او همه فضائل و خدمات و افتخارات خود و کارهایی که در زمان صلح و جنگ کرده، شرح داده و سپس اضافه مینماید که: «در آن هنگام که مرد و کمره را مأمور ساخت تا مردم و کشور را براه راست راهنمایی کنم من قانون و عدالت را بزبان این ممالک برقرار ساختم و باین ترتیب در افزایش وسایل رفاه و آسایش مردم کوشیدم...»

### زنگ تابناک میرزا نهبه لیه

در آخذ کر قوانین بر کسانى که در برابر آن قانون بی پروا باشند و از اطاعت آن سرپیچی کنند، لعنت و نفرین مینمایند و تأکید میکند که نسبت به مردم غافل، بی اعتنا نبوده است.

چند سال پس از کشف این ستون سنگی در شوش دانشمندان و باستانشناسان به این فکر افتادند که نسخه‌های دیگر این قانون نامه را بیابند و باستانشناسان دانشگاه پنسیلوانیا در خرابه‌های شهر نیپور Nippur چند کتیبه مشتمل بر موادى از همین قانون بدست آوردند. این کتیبه‌ها با آجر چهار گوش که هر ضلع آن ۲۴ سانتیمتر اندازه دارد، نوشته شده و در هر صفحه شش ستون نوشته دارد.

درباره حقوق و تنبیهات جزائی در زمان حمورابى بطور کلی چنین نوشته‌اند که: «رسیدگی به دعاوی در دست محاکم عادى و محاکم مذهبی بود. قاضی ۲۳ نماینده رب النوع شاماش (قاضی مطلق) در زمین محسوب میشد و در مجمعی که کارش رسیدگی بر مرافعات و استماع گواهی شهود بود، حضور مییافت. ادای شهادت در حضور یکی از خدایان یعنی در برابر علامتی که معرف شاماش یا مردوک یا خدای محلی دیگری بود، انجام میگرفت. حکم قطعی از طرف قاضی صادر میشد و اگر او از حکم خود عدول میکرد بموجب ماده ۵ قانون از مقام خود خلع و دیگر حق حضور در محاکم نداشت. تصمیمات محکمه کتبی و با تاریخ بود

و برای تأیید بمهر هم میرسید. برای هر يك از جرائم تنبیهات خاصی در قانون پیش بینی شده و در پاره‌ای از موارد با ارزش اجتماعی گناهکاران و یا مستمیدگان متناسب بود.

هر متهم که گناه مسلمی نداشت میتواندست برای تبرئه خود «بجان خداوند» سوگند یاد کند و این عمل معمولاً در مورد جراحت و آسیب غیر عمد، زن مظلوم بخیانت بشوهر، چوپانی که گله خود را بر اثر شیوع مرض از دست داده، و یا ملاحی که قایق او بر اثر تصادف از بین رفته، و مواردی نظیر آنها اجرا میشد. توسل بقسم برای تأیید صحت گفتار گواهان و بی گناهی متهمین بود. عملیاتی از قبیل باب انداختن، میان آتش رفتن برای اثبات بی گناهی بندرت انجام میگرفت. چنانکه در ماده دوم قانون باین موضوع اشاره شده: (اگر مردی بجادوگری متهم میشد، برای تبرئه خود مجبور بود خود را برودخانه فرات بیندازد، اگر آب فرات وی را غرق میکرد، خانه او متعلق بکسی بود که وی را باین سمت معرفی کرده و اگر آب سالم بیرون میآمد، مفتری محکوم بمرگ و خانه او بمردی که تبرئه شده بود، داده میشد.

کیفرهایی که در قانون پیش بینی شده عبارت بوده از: غرق کردن در آب برای زن خطاکار و همدست او (مگر در صورتی که شوهر از خطای او چشم میپوشید)، زنی که وظایف همسری را نسبت بشوهر زندانی خود انجام نداده، میخکوب کردن درباره زنی که شوهر خود را بخاطر مرد دیگری کشته باشد. سوزاندن برای کسیکه بهانه اطفاء حریق، قسمتی از اموال آفت رسیده‌ای را تصاحب میکرد، یا راهبه‌ای که بمیخانه رفت و آمد داشت.

شلاق زدن و بچوب بستن فقط در مورد مرد آزادی بود که بمافوق خود سیلی میزد. درباره قطع پاره‌ای از اعضاء بدن ظاهراً عضو گناهکار، مثلاً گوش، بینی، زبان که آلت جرم بودند، می بریدند. قانون قصاص بمثل، یعنی چشم بجای چشم، دندان بجای دندان و بالاخره انسان بجای انسان شدیداً مجری بود ولی باز هم بر حسب شخصیت مجرم تنبیهات خفیف و شدید میشد.

جبران زیان هم به نسبت ارزش اشیاء و مالک آنها از ۳ تاسی برابر قیمت شیئی تغییر میکرد. اگر مأموری از عمل دولتی پولی میگرفت و از پرداخت آن سرباز میزد، مجبور بود سه برابر آن مبلغ را بپردازد، و اگر از خانه پادشاه یا معبد چیزی بسرقت میرفت سارق سی برابر قیمت آن شیئی را میپرداخت.

بعضی از پژوهندگان بر آنند که پاره از قوانین تورات مانند همین قوانین است و تأثیر قوانین حمورابی که مجمع و تدوین کننده قوانین قدیم ساکنان بین النهرین بوده، در قوانین یهود مشهود است. منتها در قوانین یهود که جدیدتر است تسهیلات و تعدیلاتی در آن بعمل آمده که در زیر شرح چند ماده از قوانین دو قوم که با هم تشابه دارند میپردازد:

آیه ۱۶۶ از سفر خروج: هر کس کسی را بدزد و بفروشد باید کشته شود.  
ماده ۱۴ قانون حمورابی: اگر کسی بچه دیگری را دزدید و فروخت باید سرش را برید.

آیه ۱۸۶ و ۱۹۰ سفر خروج: هر گاه کسی در نزاع دیگری را با سنگ یا مشت بزند و طرف از آن ضربت بیمار و بستری شود و بعد بهبودی پیدا کرده و از بستر برخیزد و بکار خود رود، زننده باید مزد روزهای بیکاری و هزینه دارو و درمان او را بپردازد.

ماده ۲۰۶ قانون حمورابی: هر گاه دو نفر نزاع کردند یکی دیگری را زخمی زد، باید سوگند بخورد که عمدی نبوده و نیز هزینه درمان او را بپردازد.

### قوانین و قضاوت در آشور قدیم:

از قوانین آشور بها مدارک چندانی زیاده ضمن کاوشها بدست نیامد ولی در ویرانه های شهر آشور، باستان شناسان آلمانی نه لوحه که منتخبی از قوانین آشوری روی آن نوشته شده، یافته اند که در سال ۱۹۲۰ ترجمه و

منتشر شد. از رسم الخط و واژه های بکار رفته در آن چنین تشخیص داده اند، که این قوانین مربوط بفاصله بین قرن ۱۵ تا ۱۲ قبل از میلاد است.

این قوانین باستانهای چند مورد، نظیر مواد قوانین حمورابی است و هر يك از مواد باین جملات: اگر یکمرد... اگر یکزن... آغاز میگردد و پس از ذکر جرم، راه حل قانونی و کیفر آن را تعیین مینماید.

قانونگذاری در آشور از وظائف پادشاه و گفته او حکم قانون را داشته است و قضاوت بوسیله يك قاضی انجام میگرفت در حالیکه در بابل قضاوت بوسیله چند قاضی انجام میشد.

### قوانین هیتی ها :

در بین الواح نوشته میخی که در «بغار کوی» سی و سه کیلومتری آنکارا بدست آمد، دو لوحه نیز حاوی مجموعه ای از قوانین هیتی هاست در یکصد ماده. تاریخ تنظیم آن بطور تحقیق معلوم نشده ولی کاوشگران و محققان بحدود قرن پانزدهم پیش از میلاد و زمان پادشاهی سوپیلولیوما حدس زده اند. تنبیهات پیش بینی شده در این قانون معدل تولد تنبیهات در قوانین حمورابی و آشور میباشد. تنبیهات سخت مانند اعدام و نقص اعضاء بدن، با پرداخت مبلغی جریمه جبران میشده مثلا: «هر کس شخصی را در طی يك زد و خورد میکشت جریمه ای میپرداخت. شخص مقتول اگر از طبقه آزاد بود چهار نفر بجای او و اگر از بردگان بود قاتل دو نفر بجای وی میداد ولی اگر این عمل قتل از روی عمد نبوده دو نفر بجای مقتول آزاد، و یک نفر بجای برده مقتول داده میشد. اگر بر اثر زد و خوردی مرد آزادی کور میشد و یادندانهای او میریخت، خسارت برابر با بیست سیکل نقره و برای يك غلام نصف آن میپرداخت، و برای شکستن یک دست

یا يك ساق پا از مرد آزاد بیست سیكل نقره و برای غلام دو سیكل پرداخته میشود. در این موارد اگر شخصی مصدوم، رنجور و علیل میماند بیست سیكل و اگر شکستگی دست یا پای او علاج پذیر بود، نصف این مبلغ را دریافت میداشت. تنبیهی که برای ربودن اشخاص پیش بینی شده، بسیار شدیدتر از تنبیه قاتل بود. کسی که مرتکب چنین عملی میشد گاه مجبور بود تمام خانه و تمام خانواده خود را بعنوان جریمه واگذار کند، اعدام معمولاً مخصوص کسانی بود که علیه فرمان پادشاه یا اعمال وی قیام میکردند. در همنحوایگی با محارم و اعمال منافی عفت هم همین تنبیه مجری بود.

اگر شوهری همسر خود را در حین اعمال منافی عفت دستگیر میکرد حق داشت هر دو طرف را بکشد. اگر بزنی در کوهستانها دست درازی میشد، زن از تنبیه معاف بود. ولی اگر زنی در خانه گرفتار چنین پیش آمدی میشد، چون میتوانسته است از مردم کمک بخواهد و خود را از خطر برهاند، خود او بمرگ محکوم بود.

درباره دزدی نیز موادی در قوانین هیتی موجود است، شدیدترین تنبیهات مخصوص سرقت حیوانات بود، چون در آن موقع حیوانات گرانبهاترین سرمایه خانوادهها را تشکیل میدادند. برای يك اسب یا يك گاو (حد اقل دو ساله) سارق مجبور بود سی اسب یا سی گاو جریمه بدهد، این جریمه بعداً به پانزده اسب و پانزده گاو تخفیف یافت. اگر گاوی بزمزرعه دیگری میگريخت مالك مزرعه آن گاو را تصاحب میکرد و حق داشت تا غروب آن روز از آن گاو کار بکشد و سپس آنرا بصاحبش رد کند، از سارق کندوی عسل شش سیكل نقره دریافت میشد، در صورتیکه پیش از اصلاح قانون، وی را در اختیار زنبورها میگذاشتند.

درهاتی زناشوئی از راه خرید یا بوسیله ربودن انجام میشد، دختر هنگام

زنانشوئی از پدر خود جهیزیه‌ای میگرفت<sup>۲۴</sup> در هوری باین جهیزیه مولوگو<sup>۲۵</sup> میگفتند همچنانکه در آشور نیز معمول بود. زن میتواند در خانه پدر خود بماند یا بخانه شوهر برود، شوهر قبل از عروسی مبلغی بعروس یا بخانواده او میداد، خانواده دختر میتواند عروسی را فسخ کند منتهی در این مورد مجبور بود دو برابر مبلغی را که دریافت داشته مسترد دارد.

در قوانین هیتی ربودن دختران برای وصلت با آنها مجاز بود ولی اگر زن آزادی باین ترتیب با افراد طبقات پائین وصلت میکرد بسه سال بردگی محکوم میشد. اگر شوهر میمرد برادر یا پدر وی موظف بودند زن او را بگیرند این عمل در آشور و اسرائیل نیز رسم بود، اگر مرد آزاده و یک برده (کنیز) بوسیله طلاق از یکدیگر جدا میشدند داریی خانه بین آنها تقسیم میشد و اطفال بمرد تعلق میگرفت و زن حق داشت فقط یکی از اطفال را نزد خود نگاهدارد.

موضوع جالب که حاکی از اجراء کامل حق و عدالت است و بین این نوشته‌ها دیده شده «اعتراف» سوپی لولیوما» به تجاوز کردن بخاک سوریه است که آنرا خود غیرقانونی و انسانی دانسته، و بسزای این پیشروی غیر معقول و قانونی، انتظار دارد که یک بیماری واگیری در کشور او بروز نماید.<sup>۲۶</sup>

نخستین قانون اساسی دنیا<sup>۲۷</sup> در این کشور و دیکته شده توسط خداوند تالیی نوس میدانسته‌اند. در این قوانین حقوق مردم و امر او نجبا و همچنین برای پادشاه مستبد و مطلق العنان حدودی تعیین مینماید:

24- Iwarou

25- Moulougou

۲۶ - صفحه ۱۶۹ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش

۲۷- صفحه ۱۵۹ تاریخ ملل باستانی آسیای غربی تألیف دکتر بهمنش .

### هوریها :

از روی آثاری که از این قوم بدست آمد ارتباطشان و تشابه قوانین آن بابابل مشهود گردیده است ، ولی قوانین کیفری و مجازاتها، بشدت کیفرهای معمول در بابابل و آشور نبوده است، مقصر بپرداخت مبلغ زیادی نقد یا جریمه جنسی محکوم میشد. تنبیهات بدنی بندرت درباره این قبیل خطاکاران اجرا میشد برای دزدی تنبیه اعدام معمول نبود، ولی دزد بپرداخت جریمه‌ای که گاهی به ۲۴ برابر بهای شیئی میرسید ، محکوم میشد و اگر سارق بدست نمی‌آمد ، محله و ناحیه او محکوم میشدند . متهم میتواند با ادای سوگند خودرا تبرئه کند، حتی در مواردی که شهود نیز وجود داشت، سوگند و قسم دروغ بسیار نادر بود و متهم با در بر گردانیدن روی از خدایان بخطای خود اعتراف میکرد .

### در مصر باستان :

در زمان سلسله پنجم سلطنتی مصر ( ۲۵۶۳ تا ۲۴۶۲ ق.م. ) قوانین مدنی و جنائی کامل‌تر شده و مردم در برابر قانون مساوی بودند باین شرط که طرفین دعوا از حیث ثروت و مقام باهم برابر باشند . قضات از دو طرف دعوی میخواستند که استدلال و مطالب خود را بنویسند و بمحکمه تسلیم نمایند تا مورد بررسی قرار گیرد. جزای سوگند دروغ کشتن بوده است. در هر شهری محکمه‌ای برای رسیدگی بدعاوی مردم بود ولی محاکم عالی در پایتخت تشکیل میشد ( معقیس یا طبس ). گاهی متهم و مجرم را شکنجه میدادند تا بحقیقت مطلب اعتراف کند . چوب زدن از کیفرهای رایج بود ، گاهی گوش یابینی و یا زبان یادست تبهکار را میبریدند یا او را بمحل استخراج معادن تبعید میکردند. عمل اعدام یا دار زدن ، خفه کردن، سربریدن و یاسوزانیدن

انجام میگرفت. سخت‌ترین شکنجه آن بود که گناهکار را زنده زنده مومیائی میکردند یا بدن او را با پرده‌ای از نترون سوزانده میپوشانیدند که بدنش را خرده خرده بخورد و او را از بین ببرد.

نخست‌وزیر آخرین پناهگاه برای مستدعیان بود. در یکی از نقوش مقابر مصر وزیر دیده میشود که صبح زود از خانه خارج میشود تا چنانکه در کتیبه ذکر شده « بشکایت فقیران گوش فرادارد » ، بی آنکه بین بزرگ و کوچک تفاوتی بگذارد.

يك پاپيروس شکفت انگیزی در دست است که یکی از فراعنه مصر هنگام انتصاب وزیر تازه‌ای باو توصیه‌هایی به این شرح کرده است:

« نيك مراقب دفتر وزارت باش و آنچه را در آن میگذرد از نظر دور مدار و بدانکه این ستونی است که هر مملکت بآن تکیه دارد... وزارت شیرین نیست بلکه تلخ است... در این اندیشه باش که وزارت تنها آن نیست که در بند احترام گذاشتن بشاهزادگان و رایزنان باشی. در این فکر باش که وزارت آن نیست که مردم را به بندگی خود گیرند.. هنگامیکه کسی از مصر سفلی به علیابشکایت میآید... هشیار و حریص باش که در هر امر قانون بمجرای خود کار کند و عرفی که جاری است رعایت شود و حق هر کسی محفوظ بماند... طرفداری از اشخاص خشم خدایا بر میانگیزد... همانگونه که بکسی که او را میشناسی نظرداری، بکسی که او را هم نمیشناسی نظرداشته باش و به نزدیکان شاه چنان بنگر که بآنان که دور از دربار اویند مینگری. بخاطر داشته باش که امیری که چنین مدت درازی بر جای خواهد ماند... آنچه مردم را از امیرشان میترساند باید آن باشد که امیر در حکم خود بعدل کار کند... آنچه را بر تو واجب است مراعات کن... » ۲۸



### قوانین و قضاوت در یونان باستان

نخستین قانونگزاری که نام او در تاریخ یونان باقی مانده «زالو کوس» (Zaleucos) میباشد که قوانین او در حدود سال ۶۶۳ در لوکر (Locres) یکی از شهرهای ایتالیا منتشر گردیده است، ولی سال بعد کارونداس (Charondas) مجموعه قوانینی برای شهر «کاتان» تدوین کرد که از قوانین گذشته الهام گرفته بود. این قوانین چون جنبه موازنه و اعتدال را داشت و تا اندازه‌ای رژیم اشرافی و اختیارات نامحدود آنها را محدود میساخت بزودی در شهرهای مهم یونان بزرگ و سیسیل و تراس و پاره‌ای از شهرهای آسیای صغیر تا کاپادوسی و همه شهرهای یونان بجز آتن مورد استفاده قرار گرفت. ۲۹

در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد در اثر بروز جنگها و اختلافات داخلی و کشت و کشتار وضع آتن را سخت آشفته و قرین هرج و مرج ساخته بود، بنابراین دست‌اندرکار تدوین و تنظیم قوانینی شدند که از قصاص و انتقام‌جویی افراد جلو گیری کند. و انجام این مهم را بعهده «دراکون» (Dracon) واگذار کردند (۶۲۱ ق.م.)، و او با اطلاعاتی که در امور حقوقی داشت و با توجه به قوانین گذشته و در نظر گرفتن نیازمندیها و ابتهامات مردم قوانینی تنظیم کرد. در قوانین درا کون حقوق شوهر بر زن و پدر بر فرزند و ارباب بر غلام محترم و آزاد بود، در صورت وقوع قتل اگر تمام بستگان و بازماندگان مقتول با اتفاق راضی بمصالحه و گذشت میشدند موضوع غیر قابل تعقیب بود، ولی اگر یکی از ورثه رضایت نمیداد موضوع بمحاکمه صالحه موکول میشد و خانواده مقتول حق تعقیب خانواده قاتل را نداشت. ۳۰ حق شکایت و تقاضای تعقیب

۲۹ - صفحه ۸۷ کتاب تاریخ یونان قدیم، جلد اول، تألیف دکتر بهمنش.

۳۰ - صفحه ۱۲۲ از همین کتاب.

متهم منحصرأ با اقوام نزدیک مقتول ( پدر ، برادر ، پسر ، پسرعمو ، خاله و غیره) بود و به اقوام درجه دوم مانند اقوام سببی (داماد ، خانواده عم و خاله و غیره) فقط حق گواهی دادن و تأیید موضوع در محکمه داده میشد .

رسیدگی بقتل و مسموم کردن و حریق عمدی در اختیار شورائی بود و طرفین هر کدام دو مرتبه حق دفاع و صحبت داشتند و پیش از شروع دوره دوم دفاع متهم میتواند تقاضای جلاء وطن و تبعید شدن بنماید و اگر آراء قضات در این مورد برابر بود رب النوع آنها بنفع محکوم رأی میداد و با تبعید او موافقت میشد ، ولی اگر اکثریت به اعدام او رأی میداد ، گناهکار کشته میشد. در مورد جراحت عمدی که بقتل منجر میگشت ، اموال مقصر مصادره میشد و خود او تبعید میشد و اگر از اجرای حکم سرپیچی میکرد به اعدام محکوم میشد .

قوانین در ا کون با اینکه حفظ امنیت جامعه و احترام حق مالکیت را منظور داشته و به هیچیک از طبقات امتیازی نداده بود ، باز آنطور که انتظار مردم بود در وضع اقتصادی و اجتماعی تأثیر فراوانی نکرد و در آغاز قرن ششم قبل از میلاد که صنعت و تجارت رو بتوسعه رفت و وسایل آسایش و گذران زندگی مرتب تر شد و موضوع وام دادن و وثیقه گرفتن و معاملات و مصادره اموال و املاک مردم ایجاب میکرد که تجدید نظری در قوانین بوجود آید و قوانین دیگری که با اوضاع زمان وفق دهد تنظیم گردد ، بنابراین «سولون» که مورد اعتماد مردم و از خاندان سرشناس و اشرافی آنن بود مشغول تهیه قوانینی شد. اودرسال (۵۹۴ ق . م .) بمقام آر کنتی (Archontes) رسیده بود (فرمانده غیر نظامی یا مأمور عالی مقام) .

سولون (Solon) برای پرداخت وام به طلبکاران تخفیف زیادی قائل شد و قانونی را که بموجب آن طلبکار حق فروش بدهکار را در صورت نپرداختن بدهی خود داشت لغو کرد .

مسأله اراضی که به رهن رفته بود حل کرد و اراضی بصاحبان اولیه برگشت . آزادی املاک و افراد را بوسیله قانون تأمین کرد و برای جلوگیری از احتکار زمین قوانینی وضع کرد که زمین قابل تقسیم بود و پس از مرگ شخص بین پسران او تقسیم میشد و اگر کسی پسر نداشت بین دخترانش و اگر اصولاً دارای فرزند نبود بین فرزندان غیر مشروع و در غیر اینصورت بین خویشاوندان تقسیم میشد . مرد حق داشت که دارائی و یا املاک خود را بموجب وصیتنامه به افراد دیگری خارج از خانواده بدهد . پدر حق فروش و یا کشتن فرزند خودش را نداشت ، فقط دختران بدهکار بفروش میرفتند و پسر در صورتیکه مرتکب اعمال خلاف میشد از خانه پدری طرد میگشت . وظیفه فرزند نسبت به اولیاء خود بسیار ساده و منحصر به تأمین غذا و مسکن و رعایت احترام و انجام تشریفات مختصری پس از مرگ آنها بود . زنان کمتر از شصت سال حق شرکت در این مراسم را نداشتند ، جسد میبایستی شب بخاک سپرده شود و قربانیهای بزرگ ، مخصوصاً قربانی گاو ، بر سر مزار متوفی ممنوع بود . برای جهیزیه دختران ، پدر سه دست لباس و تعدادی لوازم ارزان قیمت به همراه او میگردولی ناچار بود مقداری زمین به او بدهد و این عمل در تجزیه املاک و اراضی بسیار مؤثر بود .

سولون چون در امور بازرگانی اطلاعات و تجربیات کافی داشت برای تأمین و حفظ منافع طبقات و سطح ثروت عمومی و تشویق بکار و جلوگیری از بیکاری و گدائی و مراقبت حیوانات و حفرچاه و تنظیم آب و درختکاری ،

مخصوصاً کشت درخت زیتون، و تشویق صنعتکاران قوانین و مقرراتی بسود مردم وضع کرد و گام‌های اساسی و مؤثری برداشت و پس از آنکه مأموریت خود را انجام داد، نه نفر آراکنت‌ها را سوگند داد و متعهد ساخت که نسبت به اجرای قوانین او وفادار بمانند.<sup>۳۱</sup>

(بقیه در شماره آینده)

